

## بررسی اصول، مبنا و روش تدریس مفاهیم دینی به کودکان از منظر آیات و روایات و روانشناسی رشد و تربیتی

صابر شفیعی<sup>۱</sup>، امیر راوک<sup>۲</sup>، رضا اسدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: صابر شفیعی. کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دبیر آموزش و پرورش، استان ایلام، شهرستان مهران

<sup>۲</sup> آموزگار آموزش و پرورش

<sup>۳</sup> آموزگار آموزش و پرورش

### چکیده

مقاله حاضر از نوع کتابخانه ای و اسنادی است که با توجه به آیات و روایات معتبر و مورد تایید دین مبین اسلام و نظر اندیشمندان صاحب نظریه بررسی و توصیف مبنا، اصول و روش تدریس مفاهیم دینی به کودکان می پردازد و ضمن اینکه به روانشناسی رشد توجه می کند، سن یادگیری کودکان را با توجه به آیات و روایات و روانشناسی رشد و تربیتی بیان می کند. هدف از گردآوری این مقاله، افزایش آگاهی افراد به ویژه معلمان در بکارگیری مناسب و درست اصول و روش ها و تسهیل و تعمیق یادگیری به کودکان است. در گردآوری این مقاله از قرآن کریم، کتب احادیث معتبر و مورد تایید دین اسلام و علمای شیعه و کتب روانشناسی به ویژه روانشناسی رشد و روانشناسی تربیتی استفاده شده است و نتیجه ی این مقاله نشان می دهد که هرچه در تدریس مفاهیم دینی از اصول و مبنا و روش های مناسب تر استفاده گردد، یادگیری سریع تر، پایدارتر و مطلوب تر صورت می گیرد و یادگیری دانش آموزان عمیق تر مفاهیم را یاد می گیرند و این یادگیری را به محیط زندگی خود داریست می زنند.

**واژه های کلیدی:** مبنا، اصول، آموزش، روش، مفاهیم دینی، کودکان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در رابطه با چگونگی آموزش مفاهیم دینی به کودکان اختلاف نظرهایی وجود دارد. گروهی معتقدند پیش از بلوغ نباید به کودک آموزش دینی داد و گروهی عکس این نظر را معتقدند (مقدسی پور ۱۳۸۱). حضرت علی (ع) می فرمایند: «العلم من الصغر كالنقش في الحجر» یعنی یادگیری و آموزش در خردسالی، بسان کندن نقش روی سنگ پایدار است، بنابراین آموزش مفاهیم دینی از هنگام تولد شروع می شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره های دیگر است (بحار الانوار، جلد ۱).

از طرفی، آموزش صحیح و مؤثر بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودک مطلوب نیست و ممکن است کودک را نسبت به یادگیری دلسرد و یا در یادگیری او اختلال ایجاد نماید. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش های آموزشی متناسب با آن است. امام امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «ما من حركة إلا وأنت محتاج فيها إلى معرفه». یعنی: هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد (بحار الانوار جلد ۷۴).

آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان گونه که شناخت خصوصیات و توانایی های کودکان در بهینه سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول و روش های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود که: «العامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می زند، مانند رونده در بیراهه ای است که هرچه سرعتش بیش تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد (اصول کافی، جلد ۱).

بنابراین، آنچه باید بدان توجه داشت و این نوشته نیز در پی آن می باشد، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می فهمند و برآن اساس، جهان بینی خود را می سازند. با توجه به سخن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم» ما پیامبران موظفیم با هر کس مطابق درک و فهم او صحبت

کنیم (اصول کافی، جلد ۱)؛ اگر آموزش مفاهیم دینی برای دانش آموزان دوره ابتدایی به گونه ای حساب شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده ای برخوردار نمی گردد، بلکه می تواند پیامدهای زیانباری به دنبال داشته باشد. از این رو، هدف اصلی این مقاله دستیابی به اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان با مروری بر آیات و روایات اسلامی، نظرات دانشمندان تعلیم و تربیت و نیز اندیشمندان اسلامی است

## تعاریف عملیاتی

- ۱- مبنا: در لغت نامه دهخدا به معنی شالوده، مبدا و بنیادها است و در این مقاله منظور از مبنا اساس می باشد.
- ۲- اصول: در لغت نامه معین به معنای ریشه ها و پایه می باشد و جمع اصل است و در این مقاله منظور از قواعد و دستورالعمل هایی کلی می باشد.
- ۳- آموزش: در لغت نامه معین به معنای یاد دادن و تعلیم و تربیت می باشد و منظور از آن در این مقاله فعالیتی هدفمند و از پیش طراحی شده است که فرصت هایی را برای تسهیل یادگیری ایجاد می کند.
- ۴- روش: در لغت نامه دهخدا به معنای طرز یا رسم کار است اما در این مقاله منظور از روش تدریس عبارت است از ساز و کار و شیوه ارائه درس.
- ۵- مفاهیم دینی: در این مقاله منظور از مفاهیم دینی، دین مبین اسلام است که به سه بخش اصول دین، فروع دین و اخلاق تقسیم می شوند.
- ۶- کودکان: منظور از کودکان در این مقاله دانش آموزان دبستانی است که در رده سنی بین ۷ تا ۱۲ سال است که در مقطع ابتدایی تحصیل می کنند.

## ویژگی کودکان دبستانی (۷ تا ۱۲ ساله)

شناخت صحیح استعدادها، توانایی ها، کاستی ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر آموزش و پرورش به شمار می آید. نخستین ویژگی کودکان دبستانی این است که نوآموز سال اول دبستان از هر حیث با نوجوان دبیرستانی تفاوت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به

بررسی و شناسایی بخش هایی از توانش های شناختی کودکان دبستانی خواهیم پرداخت که ارتباط بیش تری با آموزش پذیری مفاهیم دینی این دوره دارد.

کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می شود که پیاژه آن را مرحله «عملیات عینی» نامیده است. «این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است» به اعتقاد پیاژه، کودکان در این دوره از نظر احساسات و عواطف بیش تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکراتشان با آنان بسیار متفاوت هستند. در این دوره هرچند از سرعت رشد بدنی کاسته می شود، اما رشد عقلی همچنان به سرعت دوره قبلی (در جهت آشنایی با مفاهیم گوناگون) ادامه می یابد، حتی اندیشه و استدلال پیشرفت بیش تری دارد. آشنایی کودک با مفاهیم نگهداری ذهنی، از جمله نشانه های روشن رشد عقلی کودک در این دوره می باشد. منظور از نگهداری ذهنی این است که اگر ظاهر اشیای خارجی (از جهات مختلف) تغییر کند، وضع آن ها در ذهن کودک ثابت می ماند و او چنین تشخیص می دهد که این اشیای به ظاهر تغییر کرده، همان اشیای سابق هستند و فرقی نکرده اند (کدیور، ۱۳۹۰).

### سن آموزش در کودکان

ائمه اطهار - علیهم السلام - مراحل رشد فرزند را به سه دوره هفت ساله تقسیم می کنند، که کودک در هر یک از این دوره ها ویژگی خاصی داشته، بالطبع نیاز معینی دارد و در نتیجه روش تربیتی ویژه ای را طلب می کند. به این روایات زیبا که اصل و پایه روان شناختی دارد توجه کنید:

رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «الولدُ سیدٌ سبع سنین، و خادمٌ سبع سنین، و وزیرٌ سبع سنین»؛ فرزند هفت سال مولا و هفت سال بنده (یا خدمتکار) و هفت سال وزیر است (کنز العمال، ج ۱۶).

این روایت هفت ساله اول (۷ - ۱ سالگی) را دوره حکومترانی و بازی و تفریح و هفت ساله دوم (۱۴ - ۷ سالگی) را دوره اطاعت پذیری و آموزش و دوره سوم (۲۱ - ۱۴ سالگی) را دوره وزارت و مشورت پذیری کودک دانسته است.

### اصول آموزش مفاهیم دینی به کودکان

#### ۱- اصل سهولت

منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از زیاده روی، خشونت و سخت گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف از آموزش مفاهیم دینی، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه های دینی است و نه صرفاً انتقال آگاهی های دینی (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره این سخن را تکرار نموده اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت گیری نکنید»؛ چرا که «خداوند مرا سخت گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر مبعوث نموده است.» شهید مطهری نیز نقل می کند: «پیامبر صلی الله علیه و آله آنگاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «يَا مَعَاذُ بَشَرٍ وَ لَا تَنْقَرُ وَ يَسْرُوْ لَاتُعَسِّرُ»؛ می روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند.

نکته ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بَشَرٍ وَ لَا تَنْقَرُ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متنفر بکنی. مطالب را طوری تقریر نکن که عکس العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد.

حال با توجه به اصل آسان گیری در آموزش های اسلامی، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش تری برخوردار است؛ زیرا بنابر آنچه در بررسی ویژگی های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت گیری ندارند، سخت گیری زمانی است که آموزه هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد. علاوه بر این، مفاهیم و آموزه های دینی سهل و آسان، زمینه های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم نموده، او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه مند می سازد.

چنان که خشونت و سخت گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات بخش آن بدبین نموده، آثار و پیامدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت. بنابراین، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی کودک چنان مهم است که ائمه معصومین علیهم السلام در سخنان نورانی خویش والدین را بدان سفارش نموده اند. بنابر مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه

و آله ، «والدین کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است بپذیرند و آنچه را که انجامش بر وی سنگین و غیر قابل تحمل است از او انتظار نداشته باشند.»

## ۲. اصل تدریج

انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی توانایی های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می شود.

قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر نازل شد. خداوند در آیه ۱۰۶ از سوره «اسراء» به این نکته اشاره می فرماید: «و قرآنا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.»

قرآن با در نظر داشتن سطح درک و فهم مردم، به مرور احکام اسلام را بیان فرمود؛ به گونه ای که فهم و پذیرش آن برای آنان ممکن باشد؛ بنابراین آموزش مفاهیم دینی به کودکان نیز باید تدریجی باشد و آنان را آرام آرام با مفاهیم دینی آشنا کرد.

دانشمندان تعلیم و تربیت نیز با توجه به توانایی های ویژه دوران کودکی در آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج را مسأله مهمی دانسته اند که غفلت از آن نتیجه های جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.

به نظر «پستالوزی»، مربی بزرگ تعلیم و تربیت سوئسی، با توجه به اصل تدریج در آموزش، سرعت و شتاب زدگی را زیان آور دانسته است و می گوید: «طبیعت، شایستگی های برتر آدمی را همانند گوهری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوهری ناقص خواهید یافت.»

در مکتب اسلام، آموزش امری مداوم و مستمر است و مسلمانان باید همیشه در وادی آموزش و فراگیری باشند؛ همان گونه که در حدیث آمده است: «اطلب العلم من المهد الی اللحد.»

کسب علم و فراگیری، امری دائمی بیان شده است و تحصیل علم از نظر اسلام زمان معین و مشخصی ندارد. از نظر اسلام، آموزش مفاهیم و حقایق دینی امری است که باید تا پایان عمر استمرار یابد و انسان، متأثر از آن باشد،

ولی دوران کودکی و نوجوانی را می توان دوران آموختن و پی گیری آموزه های دینی از نظر اسلام دانست که باید والدین و مربیان بر این امر نظارت داشته باشند و آن را هدایت کنند.

اهمیت آموزش آموزه های دینی به کودک از یک سو طولانی بودن دوره ساختار ذهنی و روانی کودک از سوی دیگر، استمرار و مداومت در آموزش مفاهیم دینی به کودک را می طلبد؛ از این رو باید به موازات رشد عقلی و تحول روانی کودک، مفاهیم اعتقادی را به کودک انتقال داد و از شتاب کردن و فشار بی مورد به او پرهیز کرد (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)).

### ۳. اصل آگاهی بخشی

آموزش مبتنی بر بصیرت و آگاهی دانش آموز از اصول اساسی نظام آموزشی اسلام است (سایت تبیان زنجان). در منابع اسلامی، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که علم و آگاهی را می ستاید و مردم را به سوی آن می خواند و تشویق می کند و از جمود و تقلید کورکورانه و بدون تفکر و تعقل بر حذر داشته و به شدت نکوهش می نماید؛ مثلاً، کریمه ۱۰۸ سوره «یوسف» می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.» در این آیه، خداوند از انسان ها می خواهد بر اساس بصیرت و آگاهی رفتار نمایند و دین حق را بپذیرند، و شیوه دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر اساس آگاهی است.

از این رو، در نظام آموزشی اسلام دیگری جای برای تحمیل عقیده و القائات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی ماند؛ چرا که اصولاً این مفاهیم با مفهوم پذیرش بر اساس بصیرت و آگاهی، به هیچ وجه سازگار نیست. در برخی از روایات نیز بر این نکته تأکید شده که آموزش اگر بر اساس فهم و آگاهی نباشد، چندان سودمند و پایدار نخواهد بود.

روایت علوی زیر نمونه ای از این روایات است: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُّمٌ، أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهِ تَدَبُّرٌ...»؛ هان! بدانید دانشی که بر اساس اندیشه و آگاهی فرا گرفته نشود، خیری ندارد، و یادگیری که در آن تدبر نباشد نیز خیری نخواهد داشت (اصول کافی، جلد ۱).

### ۴. اصل تفاوت های فردی

تفاوت های فردی از اصول پذیرفته شده در روان شناسی، تعلیم و تربیت و معارف دینی است، و به این معناست که همه انسان ها با یکدیگر شباهت هایی دارند، ولی آنان از حیث ویژگی های شناختی، عاطفی، انگیزشی، بهره هوشی، تأثیر و تأثرات محیطی و صفات شخصیتی از همدیگر متفاوتند. همین امر موجب می شود که هر انسانی، موجود مستقل، تام و فردی خاص باشد.

به همین دلیل، یکی از عمده ترین مسائل روان شناسی، مسأله تفاوت های فردی و عوامل آن ها می باشد و حتی برخی از روان شناسان می گویند: «روان شناسی غیر از تفاوت های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد» (شعاری نژاد، ۱۳۷۲).

بر این اساس؛ اصل تفاوت های فردی از دیدگاه دانشمندان تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس، رعایت تفاوت های فردی در آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی از اهمیت زیادی برخوردار است، به ویژه در انتخاب و استفاده از روش های آموزشی، معلمان باید انعطاف بیش تری داشته باشند و در آموزش مفاهیم دینی به کودکان به طور یکسان عمل نمایند، بلکه متناسب با ویژگی های شناختی، عاطفی، انگیزشی، سوابق خانوادگی و محیطی آنان، از روش های گوناگون و مؤثر استفاده نمایند.

به عنوان نمونه، معلمان می بایست بدانند برای برخی از کودکان، آموزش مفاهیم دینی با استفاده از روش شعر و داستان سودمند است و برای برخی از راه پرسش و پاسخ. برخی مفاهیم دینی را زودتر می فهمند و برخی دیگر نیاز به مثال و توضیح بیش تری دارند.

## ۵. اصل مداومت و استمرار

در مکتب اسلام، آموزش امری است مداوم و مستمر، و مسلمان همیشه باید در وادی آموزش و فراگیری باشد، همان گونه که در حدیث آمده است: «أَطْلَبُ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»

چنین گفت پیغمبر راستگویز گهواره تا گور دانش بجوی (آداب المتعلمین).

کسب علم و فراگیری امر دایمی تلقی شده است و تحصیل علم از نظر اسلام زمان معین و مشخصی ندارد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ» و حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «لَا يُحْرَزُ الْعِلْمُ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرَسَهُ»؛ بر دانش و معرفت دست نیابد، مگر کسی که در تحصیل خویش مداومت نماید؛ زیرا که به فرموده آن حضرت، دانش و معرفت پایان نمی پذیرد.

## روش های آموزش مفاهیم دینی

### ۱. روش استفاده از مثال

یکی از روش های مهم و مؤثر در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، استفاده از مثال است. استفاده از مثال های متنوع، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش آموزانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی ضعیف و یا در سطح پایینی می باشند، آسان می کند. به عبارتی، در بیان مطالب علمی و عقلی، استفاده از مثال بهترین روش برای هر چه بیش تر آشکار ساختن مطالب، تفهیم ساده تر و در نتیجه، درک بهتر و سریع تر آن هاست (مقدسی پور، مجله معرفت). از این رو، استفاده از مثال یک شیوه قرآنی است. قرآن کریم با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال های سودمند، به گونه ای در ذهن مخاطب ملموس و مجسم می سازد تا به این ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار گردد و آنان به خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند. پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال آوری بهره برده اند.

اگرچه اعتقاد به خدا و دین در کودکان فطری است و نیازی به اثبات ندارد، اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند، و در سنین دبستان می توان آن ها را به زبانی ساده مطرح کرد. بنابراین، استفاده از مثال یکی از روش های مناسب در آموزش مفاهیم دینی و اصول اعتقادی به کودکان است؛ زیرا گاه می توان با ذکر یک مثال مناسب و هماهنگ با مقصود، مطلب و مفهوم عمیق دینی را آسان و برای کودکان قابل فهم و درک نمود. از این رو، مربیان و معلمان می توانند با استفاده از این روش مفاهیم اعتقادی اسلام را در پرتو مثال هایی ساده و محسوس و ملموس در حد توان کودکان برای آنان آموزش دهند.

## ۲. روش قصه گویی

زبان قصه یا داستان یکی از مناسب ترین روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان می باشند و این سبب می شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان های مناسب بیش تر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن به هدف های مورد نظر آن، ساده تر و سریع تر صورت می گیرد. در اهمیت این روش و بهره گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و کتاب های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه های دینی را در قالب بهترین قصه ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است. مثلاً، در

داستان حضرت آدم و حضرت عیسی علیهماالسلام حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می شود؛ در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیر کیفیت معاد بیان گردید است.

از آن جا که قصه و داستان آموزه ها و حقایق آموزشی را به طور غیر مستقیم بیان می دارد، از نظر روان شناسی تربیتی نیز یکی از مهم ترین و مؤثرترین روش های آموزشی به حساب می آید. بنابراین، معلمان در آموزش مفاهیم دینی به کودکان می توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی دین اسلام، از قبیل مسأله توحید، نبوت، امامت و معاد را در صورت لزوم در قالب داستان های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی دانش آموزان دبستانی بیان کنند.

### ۳. روش یادآوری نعمت های الهی

خداوند متعال نعمت های مادی و معنوی فراوانی برای بشر آفریده است. به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت های خویش نموده و همه نوع نعمت در اختیار او قرار داده است. در قرآن، نعمت های الهی بر دو گونه اند: نعمت های ظاهری و نعمت های باطنی؛ چنان که قرآن کریم در کریمه ۲۰ سوره «لقمان» می فرماید: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»؛ نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است (سوره لقمان، آیه ۲۰). از سوی دیگر، قرآن کریم در آیاتی چند به یادآوری نعمت های الهی سفارش نموده است. برای مثال، در کریمه ۳ سوره «فاطر» می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُؤْفِكُونَ.» (سوره فاطر، آیه ۳)

### ۴. روش نمایشی (نمادین)

منظور از نمایش، مجسم کردن و به صورت مشهود و محسوس درآوردن پیام ها و آموزه هاست. روش نمایشی یکی از روش های آموزشی است که دارای تأثیر فوق العاده ای می باشد و از راه آن می توان آموزه های دینی را در قالب های قابل مشاهده و به گونه ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد. نمایشی کردن مفاهیم عقلی و انتزاعی، به ویژه برای کودکان با توجه به غلبه برخورد حسّی آنان، موجب می شود که این گونه مطالب بهتر درک شود و یادگیری عمیق تری صورت پذیرد؛ معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه، تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می کنند. اصولاً استفاده از روش نمایشی، و به صورت محسوس و مشهود در آوردن مفاهیم و مسائل آموزشی، از جمله روش هایی است که در قرآن

کریم نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. قرآن کریم با استفاده از روش نمایشی توانسته است اصول اعتقادی را اثبات و برای عموم مردم قابل درک و فهم نماید. قرآن کریم هنگامی که مثلاً در صدد تقویت ایمان مخاطبان به زندگی پس از مرگ و مسأله معاد می باشد، به ارائه نمونه های مشابه حسّی و قابل مشاهده در این دنیا می پردازد؛ یکی از نمونه های عینی که قرآن مجید بارها به آن پرداخته و برای اثبات این امر در برابر چشم همگان به معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد گیاهان می باشد (سوره روم، آیه ۵۰).

#### نتیجه گیری

با توجه به اینکه قرآن یک کتاب زندگی است و برای تمام انسان ها در همه مکان و زمانی نازل شده لذا خود از جهان بینی کامل و خاصی برخوردار است و حقایقی را در مورد انسان و زندگی او بیان می کند که با گذشت زمان و پیشرفت علوم این حقایق را نیز می توان از طریق تجربی نیز ثابت کرد از جمله آنها می توان به این اشاره کرد که خداوند در سوره رعد آیه ۲ می فرماید: «اللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰی عَلٰی الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلّٰ يَجْرٰی لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يَدَّبَّرَ الْأَمْرَ يَفْصَلُ الْآيٰتِ لَعَلَّكُمْ بَلَقَاء رَبّكُمْ تَوْقِنُونَ». یعنی: خداوند، همان کسی است که آسمان ها را بدون ستون هایی که آن ها را ببینید برافراشت؛ آن گاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام کرد که هر یک برای مدتی معین به سیر خود ادامه می دهند. خداوند در کار آفرینش تدبیر، و آیات خود را به روشنی بیان می کند؛ امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنی (سوره رعد، آیه ۲)؛ که بعد ها این نیروی جاذبه که توسط نیوتن کشف شد مردم به این حقانیت که در کتاب زندگی بیان شده پی بردند.

لذا با توجه به موضوعات مطرح شده می توان چنین نتیجه گرفت که در این کتاب زندگی علاوه بر رهنمودهایی برای زندگی بهتر، روش هایی نیز برای دستیابی به آن بیان شده است که می توان این روش ها را با استفاده از روانشناسی های جدید مورد اثبات قرار داد.

بنابراین چه آگاهی افراد در بکارگیری اصول، مبنا و روش تدریس مفاهیم دینی بیشتر باشد، به همان میزان کودکان آمادگی بیشتری دارند و به سهولت یاد می گیرند و از طرفی این یادگیری کودکان عمیق تر، پایدارتر و ملموس تر خواهد بود و پایه ای برای یادگیری های بعدی ایجاد می نماید.

## منابع و ماخذ

قرآن کریم

آداب المتعلمین، ص ۱۱۱.

اصول کافی، جلد ۱، روایه ۳، ص ۳۶.

اصول کافی، ج ۱، روایه ۱۵، ص ۲۳

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

شعاری نژاد. علی اکبر . ۱۳۷۲. روانشناسی اول. تهران: اطلاعات

کدیور . دکتر پروین . ۱۳۹۰. روانشناسی تربیتی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت ص ۲۹

کلینی . محمد بن یعقوب کلینی. اصول کافی. ج ۱، باب من عمل بغير علم، ح ۱، ص ۴۳

مجلسی . محمد باقر . بحار الانوار. ج ۱، باب ۷، روایت ۱۳، ص ۲۲۴.

مجلسی . محمد باقر بحار الانوار. ج ۷۴، باب ۱۱ فی وصیته لکمیل بن زیاد النخعی، ص ۲۶۷

مجله معرفت ، شماره ۷۵. مقدسی پور، علی

مقدسی پور. علی. ۱۳۸۱. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی. پایان نامه ارشد. مؤسسه آموزشی

و پژوهشی امام خمینی قدس سره

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

وب سایت تبیان زنجان

هندی . حسام الدین متقی هندی. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۲.